

تب و لرز اقتصاد باعطسه‌های بیگانگان

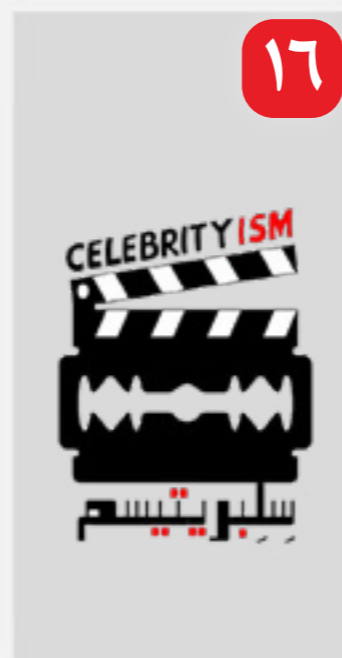
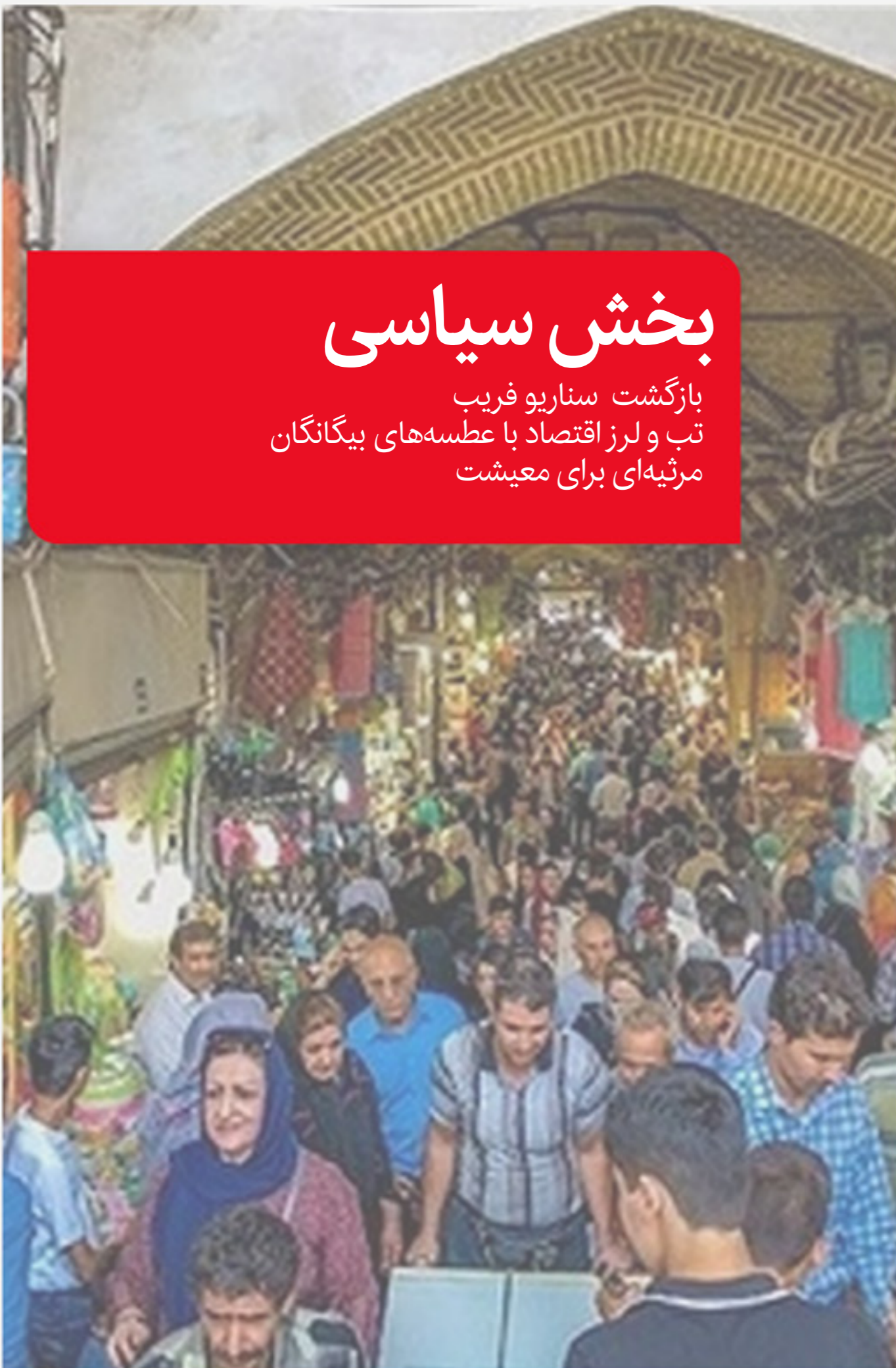
بررسی پدیده شرطی شدن در اقتصاد ایران

همچنین در سی و یکمین شماره سحر همراه شوید با؛

یادداشت‌ها و نوشته‌هایی در باب نتایج انتخابات آمریکا، شرطی شدن اقتصاد ایران، مسئله کالای اساسی، تاملی در حضور بانوان در فضای مجازی، وضعیت پرورش مجازی دانش آموزان، داستان سلبریتی‌های ایرانی مهاجر و مصاحبه با مصاحبه با فعال دانشجویی سابق دانشگاه علامه طباطبائی

بخش سیاسی

بازگشت سناریو فریب
تب و لرز اقتصاد با عطسه‌های بیگانگان
مرثیه‌ای برای معیشت



دو هفته نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
انجمن اسلامی مستقل دانشگاه علامه طباطبائی

شماره ۳۱

هفته چهارم آبان ماه ۱۳۹۹

فهرست مطالب

بخش سیاسی:

بازگشت سناریوی فریب
تب و لرز اقتصاد با عطسه‌های بیگانگان
مرثیه‌ای برای معیشت

بخش فرهنگی:

فضای مجازی زنانه
ولنگاری آموزشی
سریال مهاجران

بخش دانشگاه:

دو واحد تشکیلات
(مصاحبه با فعال دانشجویی سابق
دانشگاه علامه طباطبائی)

کلام امام

تشکل‌های دانشجویی فرصتی
هم برای دانشجو ایجاد میکند
برای کار دسته‌جمعی. و من
به کار دسته‌جمعی اعتقاد دارم
و این را یک نیاز دانشجو
میدانم؛ کسب مهارت‌های
گوناگون؛ مهارت‌های سیاسی،
اجتماعی.

۱۳۸۷/۰۹/۲۴

بازگشت سناریوی فریب

اندر احوالات نتایج اولیه انتخابات آمریکا

زهرة سادات هاشمی نسب (عضو فعال دانشکده حقوق)

جهان با بایدن!

چند وقتی است خبر انتخابات آمریکا فضای رسانه ای جهان را به خود اختصاص داده است. موضع رسانه‌ها و گروه‌ها در هرکشور با کشور دیگر متفاوت است. سلوتسکی، رئیس کمیسیون امور بین‌الملل دومای روسیه، درباره‌ی بایدن بیان کرد: «بایدن در دوره‌ای که معاون رئیس جمهور آمریکا بود شخصاً تحریم‌ها را علیه روسیه آغاز کرد». این سخن و تاخیر در تبریك پوتین نشان دهنده‌ی نگرانی روسیه از ریاست جمهوری بایدن است. آن طرف آلمان با پیام تبریك خود بایدن را نقطه بازگشت از سیاست‌های ترامپ علیه آلمان می‌داند. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان به دلیل حمایت‌های مالی زیاد از ترامپ، با رأی نیاوردن او به دنبال راه برگشت هستند و پیام‌های تبریك خود را برای جوبایدن ارسال کردند.

فیل با الاغ چه فرقی دارد؟

با توجه به شرایط به وجود آمده

توسط ترامپ این انتخابات از مهمترین انتخابات‌های شناخته شده در آمریکا است. در واقع ما شاهد این اتفاقات در انتخابات دوره قبل با حضور ترامپ و هیلاری کلینتون نیز بوده‌ایم. نکته قابل توجه این است که چرا این انتخابات برای جهان بزرگ جلوه داده شد؟

آمریکا با جو رسانه‌ای گسترده‌ای که در جهان انجام داد، توانست مردم جهان را به این باور برساند که دیدشان تنها به آمریکا باشد.

با توجه به سخن علی بیگدلی، فعال سیاسی اصلاح طلب، که بیان کرد: «امکان مذاکره با بایدن وجود دارد، زیرا ایران گفته است که از طریق برجام مذاکره خواهد کرد. از این منظر بسیار مفید است که بایدن رئیس‌جمهور ایالات متحده شود زیرا مسیر گفت‌وگو به راحتی باز می‌شود»، می‌توان به وضوح دریافت که برنامه‌ی احتمالی اصلاح طلبان و منتخب جدید ریاست جمهوری آمریکا در قبال کشور چه خواهد بود.

بعضی از نظریات بیان کننده تفاوت

میان حزب دموکرات و جمهوری خواه است اما تجربه ۴۰ ساله انقلاب اسلامی اثبات کرده است، به روی کار آمدن هریک از این احزاب هیچ تفاوتی برای ایران ندارد. خیلی از افراد عامل فشارها و تحریم‌های مختلف علیه ایران را ترامپ می‌دانند اما این درحالیست که ترامپ ادامه دهنده‌ی تحریم‌هایی است که در زمان اوباما شکل گرفته است. آن‌ها تنها صورت صلح جویانه‌ای در مقابل ایران دارند اما در پشت آن چهره‌ی بزک کرده، همواره مواضع خصمانه خود را حفظ کرده‌اند.

آیا باید تبریك گفت؟!

عجیب‌ترین واکنش این روزها تبریك به خانواده سردار سلیمانی بود. رهبر انقلاب در رابطه با شهادت سردار سلیمانی فرمودند: «جنتلمن‌های پشت میز مذاکره همان قاتلان سردار سلیمانی هستند!». شاید خیلی از ما منظور رهبر را ترامپ خواندیم اما از دیدگاه نگارنده، مفهوم این حرف را در چندماه آینده خواهیم دید!

بایدن که خود از اعضای شکل‌دهنده داعش بوده است، در رابطه با شهادت سردار سلیمانی در توییتی بیان کرده است که: «هیچ آمریکایی برای مرگ [حاج] قاسم سلیمانی عزاداری نخواهد کرد. او به دلیل جنایت‌هایش علیه نیروهای آمریکایی و هزاران غیرنظامی بی‌گناه در منطقه، مستحق روبه‌رو شدن با عدالت بود. او طرفدار وحشت بود و تخم هرج و مرج می‌کاشت». با دقت به این سخن‌ها متوجه معنای عدالت و هرج و مرج از دید بایدن و سناتورهای

آمریکایی می‌شویم. حال باید از مسولان پرسید چرا ریاست جمهوری جو بایدن را باید تبریك گفت؟

تکرار سناریوی فریب؟!!

اگر این انتخابات را از منظر داخلی بررسی کنیم، باید گفت این سرآغاز یکی از مهمترین انتخابات‌های ریاست جمهوری برای ایران است.

از همان آغاز زمزمه‌هایی از طرف مسولین به عنوان راه نجات ایران و بازگشت به میز مذاکره شنیده می‌شد. بایدن در رابطه با نیروهای امنیتی ایران می‌گوید: «باید کاری کنیم خانه امن ایرانی‌ها امنیت نداشته باشه. باید نیروهای اطلاعاتی ایران را سرگرم نگه داریم». او در گفته‌هایی دیگر، خواهان آزادی امثال نوید افکاری است و از سازمان‌های بین‌المللی خواستار آزادی آن‌ها شده است. او در زمان خارج شدن ترامپ از برجام بیان کرد: «برای رسیدن به برجام چندین سال فشار تحریم، دیپلماسی دقیق و حمایت جامعه جهانی صرف شده است». تمام این مواضع دلایل خوبی بر اطمینان نکردن به شخصی است که از قبل شخصیت خود را علیه ایران نشان داده است.

با تمام این تفاسیر و با تجربه تاسف برانگیز در برجام باید دید آیا هنوز هم دولت ما به مذاکره اعتقاد دارد؟ آیا رییس جمهور با توجه به دو شکست در کارنامه خود، تمایل به مذاکره دوباره دارند؟ و آیا دوباره یک امضا تضمینی برای دولت مردان ما خواهد بود؟

بازگشت به فهرست

تب و لرز اقتصاد با عطسه‌های بیگانگان

بررسی پدیده شرطی شدن در اقتصاد ایران

محمد صالح صفاجو (دبیر دانشکده مدیریت و حسابداری)

مقام معظم رهبری: "ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیت‌های درون کشور و درون مردم تأمین بکنیم."

ظرفیت‌های بسیار زیادی در کشور وجود دارد که از این ظرفیت‌ها یا استفاده نشده است یا درست استفاده نشده است؛ از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم، یعنی اقتصاد درون‌زا.

اقتصادی که مایه خود و ماده خود را از درون کشور و از امکانات کشور و از توانایی‌های مردم خودمان به دست می‌آورد."

آغاز شرطی شدن

انتخابات اخیر آمریکا بار دیگر شائبه شرطی شدن اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را تقویت کرد؛ پدیده‌ای که در بازه زمانی سال ۱۳۹۲-۱۳۹۸ با نوسانات بسیار، خودنمایی کرده است.

تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده آمریکا از سال ۱۳۹۲ روند جدی‌تری به خود گرفت؛ در همین سال بود که برای اولین بار صنایع پتروشیمی جمهوری اسلامی ایران مورد تحریم واقع شد، راه‌های فروش نفت و انتقال ارز مشکل‌تر شد و در نهایت اقتصاد ایران دچار شوک سنگینی شد! به طوری که قیمت هر دلار به ۳۲۰۰ تومان رسید.

چگونه و به چه علت؟

۱- به جرئت می‌توان گفت در همین سال بود که "دلاریزه بودن" اقتصاد کشور بیشتر از هر زمان دیگری به چشم آمد. اقتصاد ایران شوک خروج آمریکا از برجام را هضم کرد، اما تورم القائی حاصل از گران شدن دلار سبب شد قیمت کالاهای اساسی و مورد نیاز جامعه رشد غیر معقولی پیدا کند. دلاریزه بودن اقتصاد کشور سبب شد با رشد ۲ الی ۳ برابری نرخ دلار طی سه ماه تمام قیمت‌های اقتصادی کشور افزایش پیدا کند؛ هر چند برخی از بازارها با نرخ دلار دارای ارتباطی مستقیم از جهت وارداتی بودن مواد اولیه مورد نیاز خود هستند، اما رشد دلار در این مدت "تمام" بازارهای کشور را تحت تأثیر خود قرار داد.

۲- قبل از خروج آمریکا از برجام، اثر و نفوذ تحریم‌ها بیشتر از آنچه بود جلوه داده شد تا نوعی ترس و نگرانی بازار را فرا بگیرد، همین ترس و نگرانی سبب آغاز رشد قیمت دلار "قبل" از خروج آمریکا از برجام شد. با بررسی معاملات خارجی ایران در زمان تحریم متوجه می‌شویم که حجم عظیمی از این معاملات با کشورهای آمریکای جنوبی و همسایه‌های مجاور ایران بوده و حجم بسیار اندکی را اروپا و آمریکا به خود اختصاص داده‌اند. تجربه‌ای که اگر دولت مردان اراده انجام دوباره آن را داشته باشند، همانند صادرات بنزین به ونزوئلا، قابل تکرار و انجام است!

نکته همین جاست که در سال‌های اخیر این عدم مدیریت و سیاست‌گذاری صحیح را به گردن تأثیر تحریم‌ها انداخته و امید و آرزوهای اقتصاد خود را به انتخابات کشورهای خارجی گره زده‌ایم، بی‌خبر از آن که تنها را مقابله با شرطی شدن اقتصاد کشور توجه به "داخل" و ظرفیت‌های آن است.

۳- امروز، دیدگاه مسئولین کشور در حال هدایت اقتصاد ایران به سمت نوعی انسداد خارجی است، در صورتی که با تکیه بر اقتصاد مقاومتی، اقتصاد کشور این امکان را دارد تا هم معاملاتی باز انجام داده و هم در برابر تحریم‌ها و فشارهای خارجی مقاوم شود.

حتی در شرایط فعلی نیز ظرفیت‌های بسیار مناسبی به منظور تولید و اشتغال در اقتصاد ایران وجود داشته که می‌تواند سبب رفع حجم زیادی از گره‌های اقتصادی فعلی شود.

سوال اساسی، برنامه دولت چیست؟

با وجود کسر بودجه ۹۹ دولت نه تنها برنامه‌ای برای کنترل بازار ارز و تورم نداشته، بلکه به دنبال فرصت است تا با ایجاد نوسانات میان مدت در آن، کسب درآمد کرده و بخشی از کسری بودجه خود را جبران نماید. اقتصاد ایران بعد از اولین قدم اشتباه در سال ۱۳۹۷ چشم انتظار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری صحیح‌تری

بعد از گذراندن شوک اولیه این تحریم‌ها، اقتصاد ایران به روند طبیعی خود بازگشت. با توجه به روی کار آمدن دولت جدید و تصویب برجام در سال ۱۳۹۳، موجی از امید اقتصاد ایران را فرا گرفت، صنایع خودروسازی، پالایشی و پتروشیمی برای رشد بی‌تابی می‌کردند، سرمایه‌گذاران خارجی وارد کشور شدند و نرخ ارز دچار ثبات و استحکام نسبی شد. جمیع این مسائل سبب رشد سریع اقتصاد کشور در سال ۱۳۹۴ شد، به طوری که تولید ناخالص ملی رشدی ۱۷ درصدی پیدا کرد. به سبب وجود حجم بالای نقدینگی و به وجود آمدن رکود در بازار، تورم بازار ثابت بود.

اما در سال ۱۳۹۷ و با خروج ایالات متحده آمریکا از برجام و رها شدن فنر تورمی و نقدینگی موجود میان جامعه، به یک باره شرایط تغییر کرد؛ رشد نرخ دلار به طرز حیرت‌آور و افسار گسیخته‌ای آغاز شد. در همان ابتدای کار با یک سیاست‌گذاری مناسب امکان مقابله با این رشد و هدایت نرخ دلار به قیمت‌هایی با پایداری بیشتر مانند ۸-۹ هزار تومان وجود داشت، اما دولت با یک سیاست‌گذاری اشتباه که در ادامه ضرر و زیان فراوانی را به کشور متحمل کرد نرخ دلار را ۴۲۰۰ تومان اعلام نمود. با توجه به میزان تقاضای موجود در بازار ارز، این کار نوعی خودکشی

محسوب می‌شد.

شماره سی و یکم هفته چهارم آبان ماه ۹۹

سیاسی

مرثیه‌ای برای معیشت

بررسی وضعیت کمبود کالاهای اساسی

هانیه سلحشور (دبیر فرهنگی دانشکده اقتصاد)

وضعیت کالاهای اساسی، اساساً خراب است!

مدتی است هرچند وقت یک‌بار، با کمبود یکی از کالاهای اساسی در بازار مواجه می‌شویم؛ یک روز کره نایاب می‌شود، یک روز عرضه تخم‌مرغ مشکل پیدا می‌کند، یک روز زمزمه‌های کمبود روغن به گوش می‌رسد و ...

اما به‌راستی مشکل از کجاست؟ در اینجا می‌خواهیم نگاهی به روند تأمین کالاهای اساسی داشته باشیم و آن را آسیب‌شناسی کنیم. در گمرک، کالاها به سه دسته «اساسی»، «غیراساسی کانتینری» و «غیرکانتینری» تقسیم‌بندی می‌شوند.

گزارش‌ها حاکی از آن است که امروزه حدود ۳/۵ میلیون تن کالای اساسی دپو شده است و ۱ میلیون تن دیگر نیز در کشتی‌هاست.

به گفته کارشناسان، مهم‌ترین دلیل ایستایی کالاها در گمرک، «انتظار در صف تخصیص و تأمین ارز» است و هیچ کالایی بدون تأمین ارز، نمی‌تواند ترخیص شود. اما مدتی قبل دولت اعلام کرد برخی از کالاهای اساسی مانند ذرت، جو، کنجاله سویا، دانه‌های روغنی و روغن خام می‌توانند بدون تخصیص ارز و به صورت اعتباری خریداری شده و بدون ارائه کد رهگیری از سمت بانک مرکزی، ترخیص شوند. البته هم‌زمانی این اتفاق با انتخابات آمریکا، آن هم در شرایط سخت اقتصادی که از ابتدای سال بر کشور حاکم بوده و طبعاً کمبود این کالاها از اول می‌توانست پیش‌بینی شود، ابهاماتی را به وجود آورده است.

نقش ارز ۴۲۰۰

در تأمین کالاهای اساسی، نقش ارز ۴۲۰۰ را نمی‌توان نادیده گرفت. این ارز که در ۲۰ فروردین ماه ۹۷ مصوب شد، تاکنون مورد انتقاد بسیاری از کارشناسان قرار گرفته است. اگر بخواهیم شرحی کوتاه از ارز ۴۲۰۰ و تأثیرات آن داشته‌باشیم، باید گفت در واردات کالاهای اساسی، این ارز چندان موفق عمل نکرده است. تجربه‌ی وجود ارز ۴۲۰۰ برای برخی از کالاهای اساسی نشان می‌دهد که این ارز که فلسفه‌ی آن وجود نوسانات است، نه تنها نوسانات را کنترل نکرده، بلکه در بعضی موارد کالاها با قیمتی بیشتر از قبل به دست مصرف‌کننده می‌رسد. با وجود اینکه دولت می‌خواست با این کار از فعالان اقتصادی حمایت کند و قیمت‌ها را پایین نگه‌دارد، اما بعد از اینکه این ارز برای تعدادی از کالاهای اساسی حذف می‌شود، نه تنها در برخی از آنها قیمت‌ها افزایش نمی‌یابد و ثابت می‌ماند، بلکه برای برخی دیگر، شاهد کاهش قیمت در بازار می‌شویم!

حباب‌های تورمی در بازار سعی می‌کند از نظر سیاسی هم از شرایط بهره‌برده و اوضاع را به گونه‌ای رقم زده تا در این جنگ اقتصادی تسلیم شویم. بخش عظیمی از شرایط اقتصادی و معیشتی فعلی کشور نه تنها به کاخ سفید مربوط نبوده بلکه به طور مستقیم از «پاستور» سرچشمه می‌گیرد. این پاستور بود که با عدم نظارت کافی در تخصیص ارز ۴۲۰۰ به طوری که نفع آن به مصرف‌کنندگان واقعی و نه دلان برسد، قیمت کالاهای اساسی را اینطور غیرواقعی افزایش داد. گمرکی که دو ماه بسته بود را بعد از پیروزی بایدن ظرف ۱۰ روز باز کرد تا قیمت‌ها را پایین آورد و باز هم همین پاستور بود که اعتماد مردم را سلب کرد تا چشمشان با هر اتفاقی در خارج از ایران بترسد و حجم عرضه را بالا ببرند و از این طریق مشکلات را گردن ترامپ و آمریکا بیاندازد و از خود سلب مسئولیت کند. سیاست دولت زدن دو نشان با یک تیر است؛ دولت با شرطی کردن اقتصاد کشور و ایجاد نوسانات غیرمنطقی، هم کسری بودجه‌اش را جبران نموده و هم پایه‌ریزی‌های لازم را برای انجام مذاکره مجدد و بازگشت به برجام انجام می‌دهد.

راه حل چیست؟

عقلانی‌ترین کار در زمانی که تحت فشارهای خارجی قرار گرفته‌ایم این است که دولت تا حد ممکن انحصار خود را بردارد، سیاست‌هایی مبنی بر حمایت از تولید، صنعت و صادرات ارائه نماید، حجم نقدینگی کشور که در پنج سال اخیر حدوداً سه برابر شده را کنترل نموده و به سمت تولید هدایت کند. اما وقتی مشاهده می‌کنیم که هیچ اقدام و اصلاحی در این زمینه‌ها صورت نمی‌گیرد و حتی در برخی از مواقع با انجام کارهایی خلاف آن‌ها (همچون اتفاقی که در بازار سرمایه و ریزش اخیر آن رخ داد)، نه تنها فشار را بر اقتصاد و ملت کمتر نشده بلکه وابستگی و آینده اقتصادی کشور به کشورهای غربی بیشتر می‌شود؛ یا بهتر است بگوییم «تعمداً» کشور و اقتصاد آن شرطی می‌شود!



بخش فرهنگی

فضای مجازی زنانه
ولنگاری آموزشی
سریال مهاجران



بررسی‌ها نشان می‌دهد متوسط تقاضای کالاهای اساسی مثل مرغ، گوشت، روغن نباتی، قند و شکر و ... در سال ۹۸ نسبت به سال ۹۵ کاهش داشته است و این کاهش تقاضا در دهک‌های پایین جامعه، بیشتر مشهود است. این نشان‌دهنده آن است که ارز ۴۲۰۰ نتوانسته نقش خود را در تسهیل تقاضای این کالاها به خوبی ایفا کند. همچنین، فشار تأمین منابع ارزی و همچنین فساد ناشی از دو نرخه بودن، به کشور آسیب قابل توجهی وارد کرده است.

سیستم معیوب نظارت بر کالاهای اساسی!

همانطور که در قسمت قبل اشاره کردیم، فساد در این ارز زیاد رخ می‌دهد. یعنی واردکنندگانی هستند که کالای خود را با ارز ۴۲۰۰ وارد می‌کنند اما آن را با قیمت نرخ آزاد یا حتی در مواردی بالاتر از آن می‌فروشند. در جایی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس می‌گوید: «حدود چهار میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار از منابع ارز ۴۲۰۰ تومانی، بدون تعیین تکلیف باقی مانده است، با این منابع تاکنون نه کالایی وارد کشور شده و نه این مبلغ تصفیه شده است و در حقیقت این ارز تنها باعث ایجاد رانت برای کسانی شد که در آن زمان نسبت به ثبت سفارش کالا اقدام کرده بودند». همچنین قابل ذکر است که دولت سالانه بودجه قابل توجهی را به تأمین ارز ۴۲۰۰ اختصاص می‌دهد و این عدم نظارت برای رسیدن کالا با قیمت مناسب به دست مصرف‌کننده نهایی، این منابع را عملاً به هدر می‌دهد.

غبار سکوت بر روی شیشه شفافیت!

دلیل دیگری که تأمین کالاهای اساسی را با مشکل مواجه می‌کند، عدم شفافیت در حذف ارز ترجیحی بر برخی کالاهاست؛ برای مثال در اردیبهشت ماه امسال، بزرگترین تولیدکننده روغن نباتی ایران، نسبت به کاهش روغن خام در آینده هشدار داد و در نامه‌ای به سازمان بورس اظهار داشت: «در ۵ ماه گذشته، بانک مرکزی برای واردات روغن خام، به شرکت‌های تولیدی ارز اختصاص نداده است» و ما بعدها شاهد زمزمه‌هایی از کمیابی روغن در ماه‌های مهر و آبان هستیم. لذا در نهایت اگر دولت برای حذف ارز ۴۲۰۰ و تغییر نوع حمایت خود از مصرف‌کنندگان، یا حداقل تخصیص این ارز به نحوی که کالاهای اساسی با قیمت واقعی به دست مصرف‌کنندگان و نه دلان برسد نکند، شاهد ادامه این کمیابی‌ها خواهیم بود.



شماره
سی و یکم
هفته چهارم
آبان ماه ۹۹

سیاسی

آن زمانی خواهد بود که در این دریای بیکران غرق شوند.

تجرد قطعی؛ ورقی دیگر از آسیب‌های فضای مجازی برای زنان

یکی از آسیب‌های جدی فضای مجازی در حوزه زنان علاقه نداشتن به زندگی زناشویی و مجرد ماندن بانوانی است که سن آنها به حدود بالای ۴۰-۳۵ سال رسیده است.



اگرچه امور دیگری مانند مشکلات اقتصادی، وابستگی به خانواده‌ها و غیره در آن دخیل هستند اما عمده‌ترین دلیل آن تغییر الگوی زندگی بانوان است؛ مانند بالا رفتن توقعات، چشم و هم‌چشمی‌ها، نگاه مادی به ازدواج و... که ارتباط تنگاتنگی با فضای مجازی دارد؛ به گونه‌ای که آنان به جای انتخاب همسر و پشت و پناه قرار دادن شخصیت واقعی، تمام علائق خود را در فضای مجازی می‌یابند و تکیه بر فضایی می‌کنند که همان طور که از اسمش پیداست واقعیتی ندارد و فرضی و مجازیست.

در این زمینه علاوه بر کارهای فرهنگی، باید راهکارهای عملیاتی و تبلیغاتی را نیز مدنظر قرار داد، چراکه در صورت بی‌توجهی به این امر کشور با بحران بسیار بزرگی مواجه خواهد شد؛ تجرد قطعی، باعث گسترش روابط خارج از چارچوب‌های اخلاقی و قانونی، فرزندان ناخواسته، سقط‌های جنین غیرقانونی و در نهایت به چالش کشیده شدن سلامت خانواده و اخلاق جامعه می‌شود. از همه اینها مهم‌تر، در صورت پیشرفت این روند کشور با مشکل جمعیت که اساسی‌ترین مسئله جامعه است مواجه می‌شود.

خواهد شد؛ تجرد قطعی، باعث گسترش روابط خارج از چارچوب‌های اخلاقی و قانونی، فرزندان ناخواسته، سقط‌های جنین غیرقانونی و در نهایت به چالش کشیده شدن سلامت خانواده و اخلاق جامعه می‌شود. از همه اینها مهم‌تر، در صورت پیشرفت این روند کشور با مشکل جمعیت که اساسی‌ترین مسئله جامعه است مواجه می‌شود.

چرا زنان؟

امروزه نقش موثر زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی و پیشگیری از انحرافات اجتماعی بر کسی پوشیده نیست و همین نقش موثر و کلیدی باعث شده نوک تیز حمله دشمن متوجه زنان جامعه شود. آنان به خوبی دریافته‌اند که اگر موفق به تغییر فرهنگ زنان یک قوم شوند می‌توانند تمامیت فرهنگ آن جامعه را متاثر کرده و تغییر دهند و مهم‌ترین ابزار در این زمینه فضای مجازیست.

به همین دلیل نه‌تنها زنان در استفاده از این فضا باید هوشیارانه عمل کنند، بلکه سازمان‌های حمایتی نیز با سیاست‌گذاری‌های درست و تولید محتواهایی تحت عناوینی چون مدیریت عاطفی خانواده، مبانی تربیتی زنانه و... می‌بایست آنان را به سمت نیازهای فطریشان سوق دهند تا جایگاه زن در جامعه حفظ شود.

فضای مجازی زنانه

بررسی حضور پررنگ زنان در شبکه‌های اجتماعی

فاطمه قدیمی (دبیر فرهنگی دانشکده روانشناسی)

دهکده جهانی

در سال‌های اخیر شاهد گذر جهان سنتی به جهان مدرن بوده‌ایم که این امر باعث شده، نفوذ اینترنت به عنوان بانک اطلاعات جهانی در زندگی انسان‌ها افزایش یابد، به گونه‌ای که شبکه‌های اجتماعی به بخش جدایی ناپذیر زندگی انسان‌ها تبدیل شده‌است.

زنان در جهان مدرن

حضور زنان در زمینه استفاده از فضای مجازی نسبت به مردان پررنگ‌تر است. واقعیت این است که جهان مدرن زنان را نیز همچون سایر اقشار جامعه درگیر شبکه‌های اجتماعی مختلف از جمله اینترنت و فضای مجازی نموده است و دنیای مجازی به طور کلی، شکل جدیدی از حضور و تعامل برای زنان در این فضا را به ارمغان آورده است؛ نوع جدیدی از تجربه که اختیار عمل، خودنمایی آزادانه و قابل کنترل را برای آنها به همراه می‌آورد.

حضور زنان در فضای مجازی می‌تواند هویت زنانه آنان را در شرایط عینی نیز تحت تاثیر قرار دهد؛ به همین دلیل بانوان برای درک صحیح فضای مجازی ناگزیرند کارکردهای مثبت و منفی آن را بشناسند.

کارکردهای مثبت فضای مجازی برای زنان

ظهور و گسترش اینترنت اگرچه با

آسیب‌های غیر قابل انکاری روبروست اما جنبه‌های مثبتی نیز دارد؛ دستیابی به اطلاعات ناب، آموختن کارهای خانگی مانند پرداختن به فعالیت در کانال‌های آشپزی و تربیت فرزندان، عرضه آموخته‌های خود به دیگران و از طرفی، از میان رفتن محدودیت‌های مکانی-زمانی و ناشناس بودن افراد که موجب می‌شود آنان به راحتی خلاقیت خود را بروز دهند و نظراتشان را با صراحت در مورد مسائل مختلف بیان کنند، از جمله امور مثبتی است که فضای مجازی زنان را به خود مشغول کرده است.

کارکردهای منفی فضای مجازی برای زنان

در سال‌های اخیر مقوله تاثیر فضای مجازی بر شیوه و سبک زندگی افراد (به‌ویژه زنان) مسئله‌ای است که نگرانی‌ها و نیز پرسش‌های زیادی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی ایجاد کرده است. گسترش تجمعات، تقلید و تلقین‌ها، ایجاد فاصله بین دیدگاه فرزندان و والدین، فاصله گرفتن از ارتباطات واقعی و همراه با مهر و محبت، افسردگی، بی‌قراری، کج خلقی، آسیب‌های جسمی و روحی و خیال‌پردازی از یک طرف، و از طرف دیگر غوطه ور دریای مطالب رنگ و لعاب‌دیده و هوس‌انگیز فضای مجازی و ارتباطات خالی از واقعیت و گول‌زننده باعث شده تا عده‌ای از بانوان، آرمان‌ها و امیال خود را به واقعیت رسیده در فضای مجازی ببینند و وارد دریایی شوند که قطعا متوجه شدن به نکات منفی

می‌تواند به خانواده‌ها و نسل آینده بکند؟ وظیفه این سازمان در قبال این جنبه‌ها چیست؟

آسیب شناسی صحیح در جهت سازه‌های فعلی

آموزش و پرورش با ارائه ساده‌ترین حرکت خود می‌تواند کارگاه‌هایی با حضور متخصصان حوزه رسانه برای والدین ترتیب دهد تا راه‌هایی برای برخورد با آسیب‌های فضای مجازی را شناسایی کنند.

گفتنی است که آموزش مجازی فرصتی را فراهم کرده است که بخش آموزش بتواند در لایه‌های سطحی خود در زمینه شیوه یادگیری اصلاحاتی را ایجاد و به سمت پرورش ذهن قدم بردارد.

رسانه، عامل هویت ساز جهان

با توجه به دورانی که رسانه نقش اول را در تاثیرگذاری بر مخاطب ایفا می‌کند، بهترین کار استفاده از رسانه برای هدایت مخاطبین جوان است. مثلاً برگزاری کلاس‌های آسیب شناسی فضای مجازی برای معلمان می‌تواند کمک کند تا از طریق شناخت این مولفه‌ها، گام بلندی برای آینده فکری و فرهنگی کشور بردارند.

شاید با توجه به شرایط کنونی یک نوجوان با اتکا به آموزش مجازی به نوعی تنبلی، تقلب، تربیت و آگاهی نادرست ناشی از فضای مجازی را تجربه کند اما به شکلی می‌توان از این چالش در میدان رسانه، یک فرصت بستر ساز ایجاد کرد و با ترکیب کردن ابزار رسانه و شاخصه‌های تربیتی و مؤلفه‌های آموزشی، یک بسته کامل از فرهنگ را به نوجوان دوران مدرن پیشکش کرد.

است) نتایجی زیانبار برای ذهن دست نخورده نوجوانان را ایجاد می‌کند و خانواده‌ها را ملزم به پیگیری و مسئولیت‌پذیری بیشتر می‌کند.

به علاوه با توجه به استفاده مداوم و گسترده دانش‌آموزان ایرانی از وسایل ارتباطی، اعتیاد به وسایل الکترونیکی و همچنین فاصله گرفتن از فضای خانواده، اختلال در ارتباطات شخصی و میان جمعی و انزوا، گوشه‌نشینی و انحرافات اخلاقی را ایجاد می‌کند.

تنهایی نوجوان ایرانی در قفس آهنین رسانه

با توجه به تشدید ویروس کرونا و اعمال محدودیت‌ها و نگرانی بیشتر خانواده‌ها از تجمعات خانوادگی، فضای مجازی نیز عامل وسیعی برای گسترش تکررهای فردی، جلب تضادها شدن و سرکوب احساسات دوران نوجوانی است؛ دورانی که شخصیت یک نوجوان و هویت او شکل می‌گیرد و ارتباط با هم‌سالان در این سن، که جزء اساسی‌ترین نیازهای یک نوجوان به حساب می‌آید، به پیام‌رسان‌های مجازی محدود شده است.

نوجوانی که در قله درک و دریافت و نهایت تلاش و امید برای رسیدن به اهداف رنگارنگ و بی‌نهایت است و این سن جزء بهترین سنین برای یادگیری نحوه درست شکل‌گیری هویت شخصی است. آموزش و پرورش می‌تواند نقش اساسی‌ای در شکل‌گیری و چارچوب‌بندی این هویت داشته باشد.

البته آموزش و پرورش تلاش کرده با تالیف کتبی مانند تفکر و سبک زندگی و... فرهنگ ایرانی - اسلامی و مولفه‌های ارزشمند جامعه را به نوجوانان آموزش دهد اما این کتاب‌ها در مقابل رسانه‌ها و فضای مجازی تاثیرگذار بوده است؟ آیا سبک زندگی و فرهنگ کاملی را برای عرضه داشته است؟ اما تمام این جنبه‌ها و بازگو کردن آنها چه کمکی

ولنگاری آموزشی

بررسی وضعیت پرورش مجازی در فضای آموزش حقیقی

حمیده عرب‌سرخی (عضو فعال دانشکده علوم اجتماعی)

بررسی ابعاد آموزش مجازی

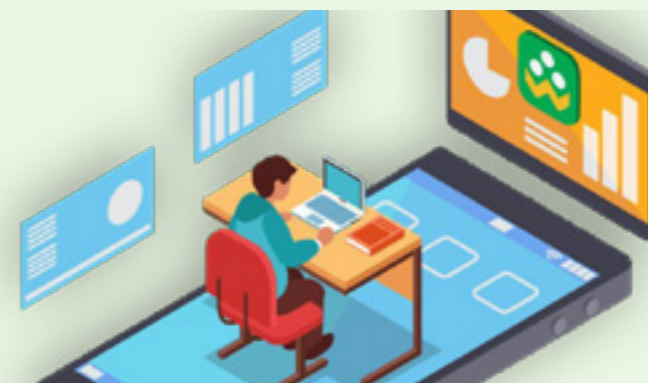
درباره‌ی نحوه عملکرد حوزه آموزش و پرورش نقل‌های متفاوتی در میان است. کشور ما با وجود وزارتخانه عظیمی با عنوان آموزش و پرورش همچنان در جهت آموزش سطحی در حرکت است و پرورش را به نوعی نادیده می‌گیرد. به قول مهدی گلشنی باید به دلیل اهمیت این سازمان نام آن را «پرورش و آموزش» گذاشت اما در دوران کنونی با توجه به شرایط کرونایی آموزش مجازی می‌تواند نوعی استفاده بهینه از فرصت‌ها باشد؛ آموزشی که در چارچوب خود مزایا و معایبی دارد.

بسترسازی آموزشی بر خلاف جلوه‌های معیشتی

با توجه به بستری که آموزش و پرورش برای یادگیری و آموزش در اختیار دانش‌آموزان قرار داده است، تمام خانواده‌ها مجبور به خرید بسته‌های اینترنتی متعدد با قیمت‌های سرسام‌آور و گاهی به سبب مشکلات سامانه آموزشی و گاهی تاکید مسئولین مدارس مجبور به خرید لپ‌تاپ، کامپیوتر یا تلفن همراه دیگری می‌شوند، درحالی‌که با توجه به شرایط اقتصادی و اوضاع معیشت مردم، خرید یکی از این اقلام هم مشکل است و خانواده‌ها را در تنگنای عجیبی قرار می‌دهد. همچنین این نیازمندی غلط در کنار ارضا آن نتیجه غلطی را برای آموزش فرهنگی ایجاد می‌کند.

سلامت جسمانی و ذهنی توامان

البته این نکته نیز قابل بررسی است که سلامت جسمی جوانان فردا با توجه به استفاده فراگیر از وسایل ارتباطی در خطر است، اما تدابیر لازم برای پرورش نسل آینده در آموزش مجازی و جلوگیری از آسیب‌های فراتر در این زمینه چیست؟



خانواده‌هایی که همیشه نگران فرزندان خود هستند حال با این مسئله مواجه‌اند که ورود کودکان و نوجوانان به فضای مجازی (که در نگاه اول فریبنده است)



مهاجرت زنان بازیگر و تکمیل پروژه‌ی نفوذ

از اهدافی که مجموعه‌ی شبکه‌های ماهواره‌ای (مانند شبکه جم‌تی‌وی، من‌وتو و ...) و امروزه شبکه‌های مختلف مجازی با منابع مالی خارجی مصرانه آن را دنبال می‌کنند، ایجاد تغییرات فرهنگی عمیق در ایران است.

این شبکه‌ها با مجموعه اقدامات و برنامه‌ریزی‌های ضد فرهنگی، سعی در جلب بازیگران داخل ایران دارد تا با استفاده از شهرت آنها پروژه‌ی نفوذ فرهنگی خود را از طریق آنان تکمیل کنند.

قسمت پایانی سریال مهاجران

نیم‌نگاهی هم به عاقبت هنرمندان خارج‌رفته بیاندازیم؛ عده‌ای مثل رابعه اسکویی فکر می‌کردند می‌توانند آینده‌ی هنری بهتری را در آن طرف آب‌ها تجربه کنند، اما بعد از آن که با فضای واقعی آنجا روبرو می‌شوند، پشیمان شده و عزم بازگشت می‌کنند و این مهاجرت را نیمه‌تمام می‌گذارند.

اشخاصی هم مانند صدف طاهریان که به خیال بیشتر دیده‌شدن و رهایی از فساد جلای وطن می‌کنند. او در مصاحبه‌ای می‌گوید: «کارگردانان و تهیه‌کنندگان برای بازی دادن من در فیلم‌هایشان از من درخواست‌های شرم‌آوری می‌کردند و... من فکر می‌کردم ترکیه با ایران فرق دارد اما اشتباه می‌کردم».

مهدی مظلومی نیز، کارگردان سریال‌های "بدون شرح" و "زندگی به شرط خنده"، بعد از مهاجرت و ساخت چند مجموعه تلویزیونی در شبکه جم، نه تنها به پیشرفتی نرسید که پسرفت هم کرد.

کم نیستند این افرادی که این راه را رفته و می‌روند و همیشه عده‌ای سود جو در کنارشان قرار گرفته تا آن‌ها را با سودای شهرت و ثروت بیشتر به خارج از کشور ببرند، درحالی‌که شهرت این افراد از حضور در کشور خود و از قبل کارهایی که متعلق به سرزمین‌شان است بدست آمده و برای خارجی‌ها و خارج‌نشینان چندان جذابی نیستی ندارد.

قسمت پایانی سریال این افراد، سقوط در ورطه فراموشی و ورود به دفترچه خاطرات سوخته‌ی مردمی‌ست که روزی با توجه خود، آن‌ها را به شهرتی رساندند که همچون روشنای کبریتی به سرعت فروغ خود را از دست می‌دهد.

سریال مهاجران

اندر احوالات مهاجرت سلبریتی‌ها به خارج از کشور

زهره زنگویی (عضو فعال دانشکده الهیات)

اخیرا مهاجرت سلبریتی‌هایی چون ریحانه پارسا و مهرداد جم بحث داغ فضای مجازی شده است. اما آنان به دنبال چه چیزی در فراسوی این مرزها هستند؟

ریحانه پارسا بعد از بازی در سریال پدر، پا در وادی پر هیاهویی گذاشت و دست به کارهای عجیب و غریبی زد؛ از ازدواج سفیدش با مهدی کوشکی تا تیپ‌ها و پوشش‌های خارج از عرف و جنجالی‌اش و اخیرا هم مهاجرت به ترکیه و داستان کشف حجاب و... حال هم با چنین حاشیه سازی‌های خارج از شغلش، چند وقتی است که سوژه رسانه‌ها شده است.

مهرداد جم هم این روزها با یک اهنگ پرطرفدار توانست یک شبه ره صدساله را طی کند. او در این کلیپ ساده و کوتاه که بسیار هم شنیده شد از محسن سعیدی کیا به مهرداد جم بدل شد و بعد هم به لطف اینستاگرام و ازدواج با یکی از شاخ‌های اینستاگرام و در آخر هم مهاجرت به ترکیه روز به روز توانست فالوور روی فالوور بگذارد و بر شهرتش بیافزاید.

به کجا چنین شتابان؟

بخشی از علت و انگیزه‌ی کوچ نابهنگام هنرمندان تازه به دوران رسیده‌ای چون پارسا و جم، وعده‌های کسب سود و درآمدهای مالی هنگفتی است که یکی از راه‌های فریب و اغوای سایت‌های شرط‌بندی به هنرمندان است.

اگر تعداد فالورهای یک هنرمند و ورزشکاری به یک میلیون برسد، از طرف مافیای شبکه‌های گسترده‌ی سایت‌های شرط‌بندی، آن شخص دعوت به ترکیه می‌شود که به آن کشور مهاجرت کند.

سلبریتی‌ها هم با به اشتراک گذاشتن بخش‌های به اصطلاح جذاب زندگیشان، مثل رابطه‌های عاشقانه یا تصاویری از خودروهای لوکس و ویلاهای لاکچری‌شان (که بخشی از سیاست‌های مافیای شرط‌بندی برای جذب مخاطب است) بهره می‌گیرند.

مقصود اصلی این دست‌های پس پرده و حامی این چنین چهره‌ها ترغیب و تشویق جوانان به حضور در سایت‌های شرط‌بندی و کسب درآمدهای هنگفت از جوانان ساده‌ای است که در دام آن‌ها گرفتار شده‌اند.

در ۲ سال اخیر رصدهای انجام شده در سایت‌های قمار، منجر به تشکیل ۲۶۹۱ فقره پرونده قضایی با گردش مالی بالغ بر ۲۵۰۰۰ میلیارد ریال شده که قربانیان این پیشنهادهای اغواکننده‌ی مالی، جوانانی هستند که به خیال برنده شدن و رسیدن

دو واحد تشکیلات

گفت‌وگویی صمیمی با فعال دانشجویی سابق دانشگاه علامه طباطبائی

نیلوفر رضایی (دبیر فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی)

سحر سیام در بخشی از مطالب خود به تجربه‌نگاری آقای امیرحسین رفعتی فعال سابق دانشجویی پرداخت. این بار نیز به سراغ خانم فاطمه محمودی؛ مسئول سابق واحد خواهران انجمن رفتیم و در مورد کم و کیف فعالیت تشکیلاتی در دوران دانشجویی صحبت کردیم. فاطمه محمودی اهل کرمان، ورودی ۹۵ رشته مددکاری اجتماعی و در حال حاضر مشغول تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبائی است.

شما به‌عنوان یک دانشجوی راه دور، چطور و از چه طریقی تونستید با شرایط دانشگاه و خوابگاه کنار بیاید؟

معمولاً بچه‌هایی که از شهرهای دیگر برای تحصیل به تهران میان به جهت اینکه از خانواده و محیطی که در اون فعالیت‌های خاص خودشون رو داشتن دور می‌شن، باعث ایجاد یک جو سنگینی میشه که گاهی مانع از برقراری ارتباط راحت با محیط و اطرافیان‌شون است. اما جمع‌های تشکیلاتی به خاطر همون جو صمیمی و دوستانه‌ای که بینشون برقراره، می‌تونه کمک کنه که این بچه‌ها راحت‌تر دوستان صمیمی پیدا کنن و در یک جمع قرار بگیرن. همین باعث میشه که مسیر رشدشون فراهم بشه و دیگه نیاز نیست دغدغه‌ی این رو داشته باشن که چطور با بقیه ارتباط بگیرن و چه کارهایی رو باید در زمان دانشجویی انجام بدن. یک فردی که تازه وارد محیط دانشجویی شده با حضور در جمعی از افراد مختلف با تجربیات فراوان در محیط دانشگاه، می‌تونه از تجربیات افراد حاضر در اون جمع در زمینه‌های مختلف استفاده بکنه و به اصطلاح چند قدم از بقیه جلو بیفته.

من هم از همین طریق تونستم با شرایطی که داشتم کنار بیام و از فرصت‌های پیش اومده استفاده بکنم.

فعالیت دانشجویی خودتون رو از چه سالی در چه تشکیلی آغاز کردید؟

فعالیت رسمی من از مهر ۹۶ در انجمن اسلامی دانشجویان مستقل شروع شد که یکسال در دانشکده فعالیت کردم و دوسال هم به عنوان مسئول واحد خواهران در شورای مرکزی حضور داشتم.

بخش دانشگاه

دو واحد تشکیلات
گفت‌وگویی صمیمی با فعال دانشجویی سابق
دانشگاه علامه طباطبائی



بده. مصداق‌های زیادی از افراد مختلف داریم که هم درس می‌خوانند و هم در تشکیلات فعالیت می‌کردن و الان هم با نمرات خوب از دوره‌ی کارشناسی فارغ‌التحصیل شدن و در مقطع ارشد مشغول تحصیل هستن. نکته‌ی بعدی که من بهش معتقدم اینه که «خدا جبران می‌کنه». یعنی من وقتی یک قدم خالصانه برای رضای خدا در این راه برمی‌دارم و وقتی که برای انجام فعالیت‌ها و تاثیرگذاری می‌ذارم، خدا می‌بینه و جایی که من نیاز به کمکش داشته باشم (حالا اینجا در زمینه‌ی درسی) جبران می‌کنه. در کنار همه‌ی این‌ها چیزی که من در انجمن مستقل دیدم این بود که با توجه به تمام فعالیت‌هایی که انجام میشه، در دو شرایط اعضای تشکیلات فعالیت نمی‌کنن. یکی زمان فرجه قبل امتحان و زمان امتحانات و دیگری زمانی که افراد کلاس دارن. به طور عمده فعالیت‌هایی که در تشکیلات انجام میشه، بر اساس انتخاب واحد اعضا تنظیم میشه که حتی از لطمه‌ی احتمالی به درس جلوگیری بشه.

فعالیت در تشکیلات چه فرصت‌هایی رو برای شما بوجود آورد؟

فرصت‌هایی که تشکیلات به من داده انقدر زیاد هست که نشه الان در قالب پرسش و پاسخ مطرحش کرد و لازمه دوستان بیان و خودشون تجربه و درک کنن. ولی اصلی‌ترین این بود که من رو از روزمرگی نجات داد. روزمرگی یه تهدید بزرگ برای زندگی هر انسانی می‌تونه باشه و فعالیت در تشکیلات تونست این تهدید در زندگی من رو به فرصتی تبدیل کنه که این رو نقطه‌ی عطف خودم می‌دونم. چیز دیگری که تشکیلات به من داد این بود که باعث شد جهان‌بینی من تغییر کنه یا بهتره بگم منسجم بشه و خب متناسب با همون جهان‌بینی جدیدم یه موقعیت‌های متفاوتی هم برای زندگی‌م بوجود اومد. در بعد اجتماعی احساس موثر بودن در جامعه احساس خوبی بود که تشکیلات می‌تونست به من و بچه‌های امثال من بده. با توجه به صحبت‌هایی که در مورد روزمرگی داشتیم یه نکته‌ای که هست،



با توجه به ضرورت کار تشکیلاتی که مطرح شد، آیا امکان این فعالیت‌ها در دانشگاه برای خانم‌ها فراهم یا نیاز است؟

تقریباً بیش از نیمی از جمعیت دانشگاه علامه رو خانم‌ها تشکیل می‌دن. این یعنی اگر بناست کاری در دانشگاه انجام بشه، مخاطب اصلی اون خانم‌ها هستن و نمی‌شه اون‌ها رو حذف کرد و حتی دلیلی هم برای حذف وجود نداره. همچنین برای انجام این کارها نیاز به حضور خود خانم‌ها هست. در محیط انجمن مستقل شرایط برای مشارکت و فعالیت خانم‌ها در عرصه‌های مختلف فراهم بوده و هست با توجه به اینکه هیچ آسیبی هم متوجه خانم‌ها در این جمع نیست. در اینجا خانم‌ها و آقایون کارها رو در کنارهم پیش می‌برن و تا اونجایی که من دیدم نبوده جایی که بگن خانم‌ها از پس انجام فلان کار برن میان، پس کنار گذاشته بشن. با وجود این شرایط نه تنها امکان فعالیت هست بلکه دلیلی هم برای فعالیت نکردن وجود نداره.

آیا دوگانه تحصیل فعالیت تشکیلاتی وجود دارد؟

همه‌ی دانشجویها و دانشجوها و دانش آموزها همیشه در کنار درس خواندن مشغول کارهای دیگه ای هم بودن مثلاً شرکت در کلاس‌های غیردرسی، فعالیت‌های مختلف حتی مهمونی‌های زیاد و... فعالیت در تشکیلات هم به همین شکله. یعنی ما یکسری کارها رو در کنار درس خواندن انجام می‌دیم و این به معنای لطمه به درس نمی‌تونه باشه. به همین خاطر به نظر بنده لازم نیست این مسئله دغدغه‌ی کسی قرار بگیره. اساساً تشکیلات به زندگی نظم می‌بخشه و قدرت برنامه ریزی و مدیریت زمان رو در افراد افزایش میده و باعث می‌شه که فرد بتونه در کنار درس، کار تشکیلاتی هم انجام

ترم یک و دو فعالیت خاصی در دانشگاه نداشتم و حالا که به گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم که اون یکسال به باطل گذشت. منظور از باطل گذشتن اینه که فعالیت هدفمند و دغدغه‌مندی که در سالهای بعد انجام دادم رو نداشتم.

یعنی همین‌که آدم هدفمند و دغدغه‌مند پیش نمی‌ره برای من یعنی باطل.

یک دانشجو چرا باید فعالیت در قالب تشکیلات داشته باشه؟

من از دو بعد به ضرورت انجام کار تشکیلاتی و گروهی نگاه می‌کنم؛ بعد فردی و اجتماعی. به طور کلی هر فردی تلاش می‌کنه که هم خودش رشد بکنه و هم بتونه یک تاثیری در جامعه خودش بذاره. این فرصت در تشکیلات و کارهای دسته جمعی بوجود میاد. حالا شاید این سؤال به وجود بیاد که چرا تنهایی نه؟ چرا در قالب جمع؟! به طور کلی یکسری راه برای رشد فردی و تاثیرگذاری که فرد می‌تونه در جامعه بگذاره، وجود داره که عموماً دانشجویی که تازه وارد دانشگاه شده، این راه‌ها رو بلد نیست. شاید دغدغه داشته باشه و بدونه یکسری خلأها در جامعه هست که نیازه پر بشه، اما نمی‌دونه چجوری. در تشکیلات با توجه به همون تجربه و تخصصی که افراد دارن یا در جمع به دست آوردن، راه‌های رسیدن به این اهداف رو بلدن و می‌تونن به من که مثلاً تازه وارد دانشگاه شدم، نشون بدن و کمک کنن. تجربه هم این رو ثابت کرده. برای مثال شکل‌هایی بودن و هستن که این دغدغه‌ها رو داشتن، این خلأها رو شناسایی کردن و به مسائلی پرداختن که از یک آسیب جدی در جامعه پیشگیری کرده و همه‌ی این‌ها در قالب کار گروهی انجام شده نه فردی.



حرف

اصلی که در کل

کتاب‌های انگیزشی وجود دارد

(من بهشون میگم کتاب‌های زرد) اینه که

دچار روزمرگی نشید، سعی کنید هر روزتون متفاوت از روز قبل باشه و امثال این حرف‌ها؛ اما راهکاری برایش ارائه نمی‌دن. به نظر من برای یک دانشجو راهکار اینکه دچار روزمرگی نشه، تشکیلات و فعالیت در تشکیلات.

یک دانشجوی تشکیلاتی با یک دانشجوی معمولی چه تفاوت‌هایی دارد؟

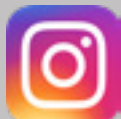
در کنار فرصت‌هایی که گفتم، فرصت دیگه‌ای که تشکیلات بوجود میاره، بحث جایگاه اجتماعی افراد در سطح دانشگاه‌ست. یعنی اون فردی که در یک شکل فعالیت می‌کنه قطعاً یک دانشجوی متفاوتی نسبت با اون دانشجویی که صرفاً درس می‌خونه است و جایگاه اجتماعی اون با بقیه فرق می‌کنه. مسئله بعدی اهمیت محیطیه که آدم درش قرار می‌گیره. یعنی هر تشکیلی این شرایط رو بوجود میاره و من فکر می‌کنم این اقتضای شکل مستقل علامه است که یک فضایی رو فراهم می‌کنه که آدم می‌تونه با قرار گرفتن در اون فضا، رشد کنه، احساس مفید بودن پیدا کنه، به آدم برای تقویت ظرفیت‌هاش کمک کنه و دوست‌های خوب و ماندگاری پیدا کنه. به طور عمده همه‌ی انسان‌ها یک ظرفیت‌های وجودی دارن که یا پنهان هستن یا ضعیف. و وقتی وارد جمع‌های این چنینی می‌شه می‌تونه اون‌ها رو تقویت کنه. مثلاً اینکه یک فردی ظرفیت و توانایی نویسندگی دارد اما ضعیفه و وقتی وارد تشکیلات میشه و حالا در نشریه‌ای مثل همین نشریه سحر قلم می‌زنه، باعث میشه توانایی‌ش در این زمینه بالا بره. مثال‌های دیگه‌ای هم میشه زد مثل اینکه حس مسئولیت‌پذیری در افراد در این جمع‌ها افزایش پیدا می‌کنه، افراد صبورتر می‌شن و قدرت مدیریتی بیشتری پیدا می‌کنن که همه‌ی این‌ها در زندگی آینده هر فرد تاثیر دارد. من به اینکه میگن یک فرد تو سن ۱۹، ۲۰ سالگی نمی‌تونه تغییر پیدا کنه مخالفم. هر فردی با قرار گرفتن در جمع‌های این چنینی می‌تونه تغییر و رشد در زمینه‌های اخلاقی و ... پیدا کنه و تبدیل به آدم مفیدی بشه.

شماره
سی و یکم
هفته چهارم
آبان ماه ۹۹

دانشگاه

۲۲

برای عضویت و یا مشاهده صفحه‌ی ما در اینستاگرام و پیام‌رسان بله، روی لوگوی هر کدام کلیک کنید



هیئت تحریریه:

هانیه سلحشور، فاطمه قدیمی، حمیده عرب‌سرخی، زهره زنگویی، نیلوفر رضایی، محمد صالح صفاجو

زهره سادات هاشمی نسب

صفحه‌آرا:

سید مجتبی هاشمی

صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه علامه طباطبائی

مدیر مسئول و سردبیر:

علیرضا بهرامی

ویراستار:

سید محمدمهدی سیدی